

تأثیر پاپ و کشیشان مسیحی بر مأموریت‌های برادران شرلی

دکتر مقصودعلی صادقی شهاب شهیدانی**

چکیده

حضور برادران شرلی در ایران اتفاق چند جانبه‌ای بود. آنها در آمدن به ایران حامل پیغامی از انگلستان و جهان مسیحیت به شاه بودند و چندی در ارتش شاه مشغول تعلیم قوای ایرانی و ساخت توپخانه شدند. آنها همراه ایرانیها با ترکان عثمانی جنگیدند و هر دو از سوی شاه عباس برای اهداف سیاسی - تجاری به اروپا رفتند. هدف شاه از ارسال آنها فعال کردن جبهه غرب علیه ترکان عثمانی بود که در حقیقت خواسته قلبی دنیای مسیحیت، پاپ و کشیشان مسیحی نیز به شمار می‌آمد. آنتوان شرلی یک بار از سوی شاه عباس به اروپا رفت و بدون کسب نتیجه‌ای، به ایران برگشت. رابرت شرلی، برادر کوچکتر که محترمانه به صورت گروگان در ایران بود نیز بنا به اعتماد و علاقه وافر شاه به او، دو بار عازم اروپا شد. در مجموع، مأموریت این دو برادر اگرچه نتایج عملی چندانی دربرداشت، اما باعث نزدیکی و رونق فعالیت‌های سیاسی بین ایران و اروپا شد؛ بویژه آنکه آنتوان و رابرت سفارت‌های خود در اروپا را محدود به کشور خاصی نکرده، از تمام دول قدرتمند آن زمان و نیز پاپ غافل نبودند. مأموریت این دو برادر واکنش‌های متفاوتی را در میان کشیشان مسیحی اروپایی در ایران برانگیخت. کارملیت‌ها اگر چه در ابتدای امر در ارزش و اهمیت مأموریت برادران شرلی در شک و تردید بودند، اما بزودی با سفارش پاپ درخصوص شرلی‌ها و بویژه رابرت شرلی که همسرش «ترزا» نیز به دست کارملیت‌ها غسل تعمید یافته بود، از برادران شرلی حمایت کردند. در عوض، کشیشان آگوستینی پرتغالی، ملیت این دو برادر و حضور مؤثر آنها در ایران را مغایر با منافع اسپانیا و پرتغال ارزیابی نمودند، بویژه آنکه شاه عباس با کمک انگلیسیها توانست پرتغالیها را از جنوب ایران و هرمز اخراج کند. در مجموع، سفارت شرلی‌ها به اروپا از جانب شاه عباس اول، اگر چه نتایج عملی برای ایران در بر نداشت، اما باعث رونق فعالیت کشیشان مسیحی در ایران شد.

واژه‌های کلیدی

آنتونی شرلی، رابرت شرلی، میسیونر، کارملیت‌ها، آگوستین‌ها، شاه عباس

مقدمه

از میان فرقه‌های مختلف میسیونری^۱ اروپایی که برای اهداف تبلیغی و سیاسی در دوره صفویه به ایران آمدند، دو فرقه آگوستین و کارملیت سهم بسزایی در عصر شاه عباس اول داشتند (۱۰۳۸-۹۹۵ق/۱۶۲۸-۱۵۸۷م). فرقه دیگری همچون فرانسیسکن و دومینیکن^۲ سابقه‌ای طولانی‌تر از لحاظ فعالیتهای مذهبی- سیاسی در ایران داشتند (۲۳/ص ۱۱۳)، اما شواهد حاکی از این مطلب است که فرقه آگوستین^۳ پیوند تنگاتنگی با استعمار پرتغال و اسپانیا داشت؛ به طوری که آیین ملی آن دو کشور تلقی می‌گردید. پرتغالیها در بدو حضور خود در ایران و عمدتاً در هرمز و خلیج فارس، از اوائل سلطنت شاه اسماعیل اول ۱۵۰۱ م/۹۰۷ ق تا هنگامی که توسط شاه عباس اول و با کمک انگلیسیها از مناطق هرمز و خلیج فارس بیرون رانده شدند (۱۶۲۲ م/۱۰۳۱ ق)، همگام با سیاستمداران و نظامیان پرتغالی در این مناطق مجدداً فعالیتهای دینی و سیاسی انجام می‌دادند (۴).

کارملیت‌ها^۴ در سال ۱۶۰۴ م/۱۰۱۳ ق همراه با نامه پاپ «کلمنت هشتم Clement VIII» و پاپ «پل پنجم Paul V» به ایران آمدند، با توجه به تشکیلات منسجم و کشیشان آگاهی همچون «ژان تادئوس»^۵، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در ساختار سیاسی و عرصه روابط دیپلماتیک ایران و اروپا داشتند (۱۴/ص ۲۱۰). از جمله اقدامات مهم کشیشان کارملیت و آگوستین تحریک ایران به جنگ علیه عثمانیها بود. در واقع، سیاست عثمانی ستیزی دنباله سیاستهای پاپ و جهان مسیحیت جهت رویارویی با پیشرفت مسلمانان بود که قبلاً در عصر مغولان توسط اروپاییان مسیحی تجربه شده بود (۳۰). قبل از صفویان در عصر تیمور لنگ (۸۰۷-۷۷۱ ق) سلاطین عیسوی و پاپ از اقدام نظامی تیمور علیه عثمانیها بهره‌مند شدند (۲۹/صص ۱۲۶-۱۲۸). در

عصر اوزون حسن (۸۸۲-۸۵۷ ق) کشیشان مسیحی و سلاطین اروپا بشدت وی را برای حمله به عثمانی تشویق و تحریک کردند (۱۲). بالاخره آنکه همین سیاست در ایام سلاطین نخست صفوی از شاه اسماعیل اول (۱۵۰۱ م/۹۰۷ ق) تا برآمدن شاه عباس اول (۱۵۸۸ م/۹۹۶ ق) از سوی کلیسای رم و پادشاهان مسیحی اروپایی ادامه یافت. تقریباً هر سیاح مسیحی اروپایی در طول حکومت صفویان واز جمله عصر شاه عباس، لعن، نفرین و انتقاد به ترکان عثمانی را فراموش نمی‌کرد (۸/صص ۵۵، ۱۹۱، ۴۰۷، ۵۲۷، ۵۲۸ و ۱۱/ص ۲۵؛ ۱۹/ص ۵۳). از آنجا که شاه عباس اول نیز با سیاست طمع و زرنازه عثمانیها مخالف بود، زمینه‌ای برای وحدت دنیای مسیحیت غرب و ایران علیه عثمانیها به وجود آمد؛ به گونه‌ای که در اسناد و گزارشهای کشیشان کارملی از عثمانیها با لفظ «دشمن مشترک» (the common enemy) یاد می‌شود (31/p.129). در واقع، بخش عمده‌ای از علل حضور میسیونرهای مسیحی اروپایی در ایران، به جنگ و جدالهای دو امپراتوری صفوی و عثمانی و نیاز مبرم جهان مسیحیت به حفظ ایران در جبهه جنگ علیه ترکان عثمانی مربوط می‌شود. از این رو، پاپ و سلاطین مسیحی و دو فرقه کارملیت و آگوستین، هر نوع سفارت سیاسی و مأموریت نمایندگان ایران به اروپا را بدقت بررسی نموده، مورد اعتنا قرار می‌دادند؛ چه رسد به سفارتهای آنتوان شرلی و رابرت شرلی که از مسیحیان اروپایی بوده، از جانب شاه عباس به سفارت اروپا می‌رفتند. لذا حساسیت پیرامون مأموریتهای سیاسی این دو برادر انگلیسی بیش از دیگران بود. مأموریتهای این دو برادر بخصوص در گزارشهای کارملیت‌ها جایگاه خاصی دارد و آنها بمراتب بیش از کشیشان آگوستین در خصوص جزئیات مأموریتهای این دو انگلیسی قلم

خاص ذکر کرده‌اند. ظاهراً پاپ به تصور اینکه شاه عباس علاقه‌ای به مذهب عیسوی پیدا کرده، شرلی را تشویق کرد که به ایران مسافرت کند و در صورت امکان شاه عباس را به مسیحیت کاتولیک بگرواند (۲/ ص ۱۶۲). از سوی دیگر، تا آنجا که به انگیزه‌های حضور برادران شرلی مربوط است، آنها گذشته از آنکه فعالیتشان را در راستای کمک به مذهب عیسوی فرض می‌کردند، خالی از ملیت‌گرایی نبوده، اقدامات خود را خدمت به انگلستان می‌دانستند (۱۱/ ص ۱۲۳). برادران شرلی علی‌رغم انگلیسی‌بودنشان^۷ مسیحیان کاتولیک معتقدی بودند. «فرانسیسکو داکوستا (Fransisco da Costa) مادر شرلی‌ها را یک کاتولیک معتقد معرفی کرده است و طبق همین گزارش رابرت شرلی برادر کوچکتر هم در ونیز به آیین کاتولیک درآمد. اما برخی از مخالفان شرلی‌ها آنتوان و پدرش را رافضی و غیر کاتولیک معرفی کرده‌اند (31/pp.69-70). هنگامی که رابرت شرلی دل به دختری از بزرگان چرکس به نام «سامسونیا»، دختر اسماعیل خان چرکس داده بود، چون به همسری رابرت شرلی درآمد، به دست خواهران عیسوی فرقه کارملیت تعمیم یافته، نام «ترزیا» بر خود نهاد (۱۶۰۷/م / ۱۰۱۶ق) (۲۷/ ص ۲۳۱). گذشته از اعتقادات برادران شرلی و وطن دوستی آنها، انگیزه دیگری که حضور آنها را در ایران تقویت می‌کرد، سیاست مشترک عثمانی ستیزی ایران و اروپا بود. به نظر می‌رسد که نقطه اوج خوش بینی شاه عباس در ایجاد اتحادیه‌ای علیه ترکان عثمانی در خلال سفارتهای برادران شرلی اتفاق افتاد.

در همین ایام شاه عباس هر چه در توان داشت، برای جذب کشیشان مسیحی و اعطای امتیازات مختلف به آنها و نیز به هیأت‌های سیاسی - تجاری اروپاییان در جهت پیشرفت و به نتیجه رساندن جنگ علیه عثمانی

فرسایی کردند. اسناد پرتغالیها و کشیشان آگوستین در قبال مأموریت شرلی‌ها اگر چه موجز و کوتاه است، لکن همان مقدار حاوی برخی اطلاعات مهم در این خصوص است و اشاره به آن خالی از لطف نیست.

انگیزه‌های حضور برادران شرلی در ایران

آنتوان شرلی و رابرت شرلی در سال ۱۵۹۸م / ۱۰۰۷ ق به همراه ۲۵ نفر از همراهانشان از راه ونیز، حلب و بغداد وارد ایران شدند. شاه عباس که تازه از سفر خراسان برگشته بود، آنها را به گرمی پذیرفت. آن دو بزودی با توجه به سوابق نظامی‌شان در جنگ با ترکان عثمانی و نیز مهارت در فنون نظامی به خدمت شاه عباس درآمدند^۸ و سخت مورد علاقه و اعتماد شاه واقع شدند. در واقع، تا آن زمان برای پیشرفت سیاست عثمانی ستیزی و تقویت ارتباط با دول اروپایی و پاپ مناسبتر از برادران شرلی فرد دیگری در ایران یافت نمی‌شد. برادران شرلی سابق بر این در جنگهای میان اسپانیا و هلند شرکت کرده بودند و چندی نیز با کمک کنت اسکس (Conte Essex) از بزرگان انگلستان با سپاهی مأمور حمله به جزایر متعلق به اسپانیا در آمریکا گردیدند. آنها در آستانه جنگ با سپاهیان پاپ «کلمنت هشتم» نیز قرار گرفتند که از سوی «دوک فرارا (Doc of Ferrara) فرماندهی می‌شد، اما جنگ به نفع پاپ خاتمه یافت. در چنین شرایطی با مصلحت دید «کنت اسکس» عزم سفر به ایران کردند تا شاه عباس را در برابر ترکان عثمانی یاری نمایند و ایران را به اتحاد با دول مسیحی اروپایی برانگیزند. البته، در آمدن شرلی‌ها به ایران تشویق و توصیه یک سیاح ونیزی در ایتالیا به نام «آنجلووی» بسیار مؤثر بود (۱۱/ ص ۱۱. ۲۸/ صص ۲۰۷ و ۲۰۸). با این حال، برخی منابع نقش پاپ در تحریک آنتوان شرلی در آمدن به ایران را به طور

سفیر، نامه و هدایا اعمال می‌کردند (31/pp. 88-90).

سفارت آنتوان شرلی، کشیشان مسیحی اروپایی و پاپ

شاه عباس در نخستین اقدام، آنتوان شرلی، برادر بزرگتر را به فاصله کمی از ورودشان به ایران از اصفهان و از مسیر روسیه به اروپا اعزام نمود. همراه شرلی، «حسینعلی بیگ بیات» سفیر ایرانی و پانزده نفر از همراهان وی، از جمله یک روحانی برای نظارت و سرپرستی امورات دینی هیأت حضور داشتند (۱۱/ صص ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۸). شرح پرماجرایی سفر آنها به اروپا از حوصله این مقاله خارج است، اما آنچه باعث توجه وافر پاپ و کشیشان مسیحی به این سفارت شد، همانا اصرار هیأت شرلی به جنگ با عثمانی بود. در واقع، آنتوان شرلی بود که شاه عباس را متوجه این امر نمود که غیر از شاه کاتولیک اسپانیا بسیاری دیگر از پادشاهان مسیحی در اروپا هستند که با کمال میل حاضرند در اتحاد با او علیه ترکان عثمانی متحد شوند. با این توصیه، شاه قانع شد که نامه و هدایایی نیز برای سلاطین دیگر اروپا و پاپ بفرستد^۱ (۱۱/ صص ۹۶ و ۹۷؛ 31/pp. 226-227).

با توجه به آنکه عثمانی ستیزی یکی از وظایف اصلی آنتوان شرلی بود و شاه عباس بصراحت وی را مأمور هماهنگی میان ایران، پاپ و سلاطین مسیحی در جنگ با ترکان عثمانی و ایجاد اتحادیه‌ای علیه آنها کرده بود (31/p.71) لذا این امر برای پاپ و مبلغان مسیحی فرصت طلایی بود که حتی برای تبلیغ آیین مسیحیت نیز عنداللزوم به کار گرفته شود و آنقدر که هنگام مسافرت شرلی به اروپا و ملاقات با پاپ و شاه اسپانیا، برخی تضمین‌های نامحدود برای کلیه فرق تبلیغی و اعلام فرمانی از طرف شاه مبنی بر اطاعت

از سوی اروپاییان انجام داد. رابرت شرلی در گزارش خود ضمن توجه به حضور برخی زنان مسیحی در دربار شاه و رفتار خوب شاه عباس با آنها از پاره‌ای مسیحیان که به سمت فرمانده نظامی منصوب شده بودند، یاد می‌کند. البته، رابرت رفتار خوب شاه با مسیحیان را برگرفته از نگاه حضرت علی (ع) می‌دانست که حُسن سلوک با مسیحیان را تجویز می‌کرد و در مقابل عثمانیها و سنی‌ها را به خاطر تبعیت از عثمان (منظور خلیفه عثمان است) مخالف عیسویان می‌دانست و به این نکته توجه داشت که مسیحیان گرجیان و ارمنه - در ایران مورد احترام‌اند و اعمال عبادی خود را در نهایت آزادی در ایران انجام می‌دهند (31/ p.153).

شاه عباس در جریان مأموریت‌های برادران شرلی، از جمله در خلال سال ۱۶۰۹ م / ۱۰۱۸ ق بدرستی متوجه سهل‌انگاری اروپاییان در جنگ با عثمانی شده بود و حتی در این خصوص نسبت به کشیشان و مبلغان مسیحی - چه از طریق زخم زبان و طعنه و چه اقدام عملی و ایجاد محدودیتهایی در خصوص فعالیت مبلغان مسیحی - سخت‌گیری‌هایی کرده بود، اما این رفتارها نه آنقدر بود که رشته مودت و ارتباط با پاپ و سلاطین مسیحی را پاره کند و نه آن‌گونه که سیاست عثمانی ستیزی را یکسره کنار بگذارد. این قبیل رفتارها ناشی از زیرکی شاه برای تحت فشار نهادن اروپاییان، خاصه پاپ بود؛ وانگهی کشیشان حاضر در ایران نیز فعالتر و زیرکتر از آن بودند که بگذارند شاه عباس از این رهگذر موضوع ترکان عثمانی را یکسره فراموش کند و با مکتوبات مکرر خود پاپ و دنیای مسیحیت را برای حفظ شاه در عرصه عثمانی ستیزی راهنمایی می‌کردند و البته، پاپ و شاه اسپانیا هم فی‌الفور در چنین اتفاقاتی اقدامات مؤثر و پیشگیرانه‌ای را از طریق ارسال

شاه ایران به جنگ علیه ترکان عثمانی و جلوگیری از قرارداد صلح ایران و عثمانی از سوی شاه اسپانیا و اسقف هرمز آمدند. از سوی دیگر، حضور آنها بی‌ارتباط با جلوگیری از نفوذ احتمالی انگلیس در تجارت و عرصه سیاسی ایران نبود؛ بویژه آنکه حضور برادران شرلی در ایران با موفقیت همراه شده بود. این دو کشیش همچنین در حضور شاه خواستار احداث کلیسایی در ایران شدند تا پیروان فرقه کاتولیک بتوانند به آزادی مراسم مذهبی خود را انجام دهند. شاه عباس از این دو کشیش استقبال گرمی کرد و صلیبی زرین مزین به الماس و فیروزه و یاقوت به آنها بخشید و سپس آنها را همراه آنتوان شرلی و هیأت همراه اجازه رفتن به اروپا داد (۲۴/ صص ۱۳۵-۱۳۷؛ ۲۷/ص ۲۵۸).

در **سفرنامه برادران شرلی** آمده که چون عمال دولت پرتغال در جزیره هرمز از رسیدن آنها به ایران آگاه شدند، مخصوصاً دو کشیش را به دربار شاه عباس فرستادند تا به وسیله آن دو از منظور اصلی سفارت او و همراهانش آگاه شده، مانع از عقد قرارداد سیاسی و تجاری با دولت انگلیس شوند (۱۱/ صص ۹۶ و ۹۷). ردپای این دو کشیش در اسناد پرتغالیها نیز مشهود است. فیلیپ دوّم به مأموریت آن دو در ایران، طی نامه‌ای که به سفیر پرتغال در رم نوشته، اشاره نمود. اگرچه اسناد پرتغالی مرتبط با این هیأت فشرده و بسیار موجز است، لکن محل اشارت قرار گرفتن آنها توسط مقامات پرتغالی، فرض اینکه آنها ضمن تعقیب سیاست عثمانی ستیزی به دنبال کارشکنی در مأموریت هیأت آنتوان شرلی بوده‌اند را قوت می‌بخشد (۴/ صص ۲۷۴ و ۳۹۲). هنوز هیأت آنتوان شرلی به مسکو نرسیده بود که «نیکولودی ملو» کشیش به جرم خیانت به شاه ایران به حبس افکنده شد. البته، این کشیش بعداً در مسکو به

همه رعایای مسیحی از پاپ و کلیسای کاتولیک از سوی آنتوان، شرلی خشم حسینعلی بیگ بیات، سفیر ایرانی را برانگیخت^۹ (ibid/pp. 73-74).

شاه عباس برای تقویت اتحادیه ضد عثمانی راهکارهایی را به پاپ اعلام کرده بود؛ از جمله عملی کردن جنگ علیه عثمانیها از طریق کنار نهادن منازعات بین سلاطین مسیحی و جلوگیری از فعالیت بازرگانان اروپایی در ارسال مهمات جنگی به عثمانی. این مطلب که شاه عباس در صورت اقدام عملی بر ضد عثمانیها از سوی اروپاییان، حاضر به عقد قرارداد دوستانه با تمام دولت‌های اروپایی و اجازه حضور و تبلیغ تمام فرق مسیحی بود و نیز قول داده بود که آرامنه، گرجی‌ها و کلیه مسیحیان ایران را وادار به تبعیت و پیروی از کلیسای رم و پاپ خواهد کرد، همگی امتیازات سیاسی و هوشمندانه شاه برای کشاندن پای جهان مسیحیت به جنگ علیه ترکان عثمانی بود (ibid /p. 73).

تصمیم اخیر شاه عباس ضمن توجه به فراست وی در امور سیاسی و شواهد تاریخی کافی در خصوص اولویت نهادن به منافع ملی، به طور قطع تدبیری سیاسی بود، اما در آغاز سفارت آنتوان شرلی در ایران اتفاق تازه‌ای رخ داد که پای کشیشان مسیحی و انگیزه‌های خاص کشیشان پرتغالی در آن عیان شد. دو کشیش پرتغالی از فرقه فرانسیسکن به نام آلفونسو کوردرو (Alfonso Cordero) و نیکولادی ملو (Nicalo Dimelo) از راه هرمز به ایران آمدند. حضور آنها در ایران به سال ۱۵۹۷ م/ ۱۰۰۷ ق بود. این دو کشیش در فیلیپین اقامت داشتند و به قصد رفتن به لیسبون پرتغال عازم گوا شدند، اما با توجه به تأخیر کشتی‌های پرتغالی، از راه هرمز به ایران آمدند. «دی‌ملو» خود را اسقف هرمز و نماینده شاه اسپانیا معرفی کرد (۷/ صص ۲۶۷-۲۶۸). آنها برای تحریک

واسطه برخی اختلافات ما بین شرلی و تزار، از جانب تزار آزاد شد (۱۸/ صص ۱۳۶۹، ۱۴۷۸).

گزارش مندرج در کتاب کارملیت‌ها اشاره می‌کند که بدرستی مشخص نیست علت این امر چه بوده، جز آنکه رابرت شرلی برادر آنتوان، دلیل این امر را توطئه چینی و اخلال کشیش مزبور علیه برادرش آنتوان در کار سفارت وی دانسته بود (31/p.71). در این گزارش همچنین اشاره شده است که این کشیش در واقع فرد متقلب و عیاشی بوده که هدایایی را هم که به شاه داده، متعلق به یکی از دوستان پادشاه ایران در هرمز بوده که کشیش مزبور آن را با پرداخت رشوه به چنگ آورده، نامه را دور انداخته و پیشکشی را به اسم خود به شاه داده است (۱۱/ صص: ۱۰۴-۱۱۰ و ۱۸/ص ۱۴۷۸). لکن در اسناد پرتغالی که ذکری از این کشیش شده، به چنین مسائلی اشاره نشده است (۲۷۴/۴ و ۳۹۲). به نظر می‌رسد که اختلافات پنهانی بر سر ملیت کشیش و آنتوان شرلی و نیز توجه مأموران اسپانیایی و پرتغالی نسبت به منافع کلانشان در ایران و نیز دشمنی با مسیحیت انگلیسی‌های غیر کاتولیک در تحلیل ماجرای دشمنی کشیشان مذکور با برادران شرلی بیشتر به کار می‌آید. توضیح آنکه انگلیسی‌ها در میان مسیحیان کاتولیک و کشیشان پیرو پاپ جایگاهی نداشتند. از آن رو که در سال ۱۵۰۹م/۹۱۵ق در ایام سلطنت هانری هشتم (Hanri VIII) و سپس عصر «الیزابت اول (Elizabeth I)» (۱۶۰۳-۱۵۵۸م) اختیارات پاپ در انگلستان برچیده شد و از آن پس کلیسای انگلستان صبغه ملی به خود گرفت. این امر باعث مخالفت پاپ و کشیشان کاتولیک با انگلیسی‌ها و مسیحیت آنها شد (۲۰/صص ۶۳۵، ۶۳۶ و ۱۱/ص ۲۵). پیترو دلواله مخالفت کشیشان کاتولیک با انگلیسی‌ها را بدان علت می‌دانست که آنها مرتدانی هستند که گاه با عثمانی‌های

کافر (نظر دلواله چنین است) دشمن واقعی مسیحیان، ترک مخاصمه می‌کنند (همان/ صص ۵۵۶ و ۵۵۷).

به هر حال، در اروپا چندان که پرتغالی‌ها و آگوستین‌ها نظر خوشی نسبت به آنتوان نداشتند، پاپ از وی استقبال شایانی کرد و علی‌رغم اطلاع از رفتار پرتغالی‌ها در قبال مأموریت آنتوان که هم در راستای سیاست عثمانی‌ستیزی و هم در جهت تبلیغ مسیحیت در ایران بود، از وی دفاع کرد. اصولاً کارملیت‌ها مأموریت آنتوان شرلی و سپس رابرت شرلی را با حساسیت خاصی دنبال می‌کردند. آنها گزارشهای خود را به پاپ و برخی سلاطین اروپا، از جمله پادشاه اسپانیا ارائه می‌دادند و پاپ نیز به نوبه خود از آنها می‌خواست تا در راستای تحریک و تشویق شاه ایران علیه عثمانی‌ها دمی کوتاهی نکنند. این تشویق‌ها می‌توانست از طریق ذکر مناقب و شکوه شاه عباس و پیشینیانش و یا آوازه شهرت او در اروپا به هواخواهی و هواداری از مسیحیان باشد (31/p.80)، لیکن چنانکه خواهیم دید کارملیت‌ها برادران شرلی را فوراً حمایت نکردند.

به هر حال، ورود هیأت شرلی به رم با اختلاف شدید میان حسینعلی بیگ بیات و آنتوان شرلی همراه بود. میزان اختلاف به حدی بود که در رم، پاپ هر دو را جداگانه به حضور پذیرفت (۱۸/ صص ۱۴۷۸). از آنجا که شرلی مدت طولانی را در ایتالیا به سر برد، مذاکراتی با پاپ در خصوص شاه ایران و تلاش برای اتحاد سلاطین و شاهزادگان مسیحی علیه دشمن مشترک، عثمانی نمود. پاپ در خصوص شرلی‌ها و حمایت از آنها نامه‌ای به کاپیتان هرمز نوشت (۱۶۰۱م/۱۰۱۰ق) و کمتر از یک ماه بعد نامه‌ای برای شاه‌عباس فرستاد (31/pp.74-76). در این نامه، پاپ ضمن اشاره به مأموریت شرلی و ضرورت اتحاد اشراف و

نوعی تبلیغ پنهانی و به سرانجام رساندن نیت روحی و درونی ایرانیان مسیحی شده بود.

اولین سفارت رابرت شرلی به اروپا، کشیشان مسیحی اروپایی و پاپ

شاه عباس چون از سفارت آنتوان شرلی نتیجه‌ای نگرفت، برادر وی رابرت شرلی را در سال ۱۶۰۷ م/ ۱۰۱۶ ق مجدداً به عنوان سفیر ایران از اصفهان به سمت اروپا فرستاد. شاه در نامه‌ای خطاب به پاپ و کارملیت‌های اروپا از آنها خواسته بود که از رابرت شرلی حمایت کنند (31/p.64). تعقیب سیاست عثمانی ستیزی و جلب دوستی انگلستان برای کمک به تصرف هرمز از اهداف عمده رابرت شرلی بود. این هیأت از طریق مازندران و دریای خزر عازم اروپا شد و از طریق لهستان به آلمان رسید. مدتی نزد رودلف دوم، امپراتور آلمان به سر برد. در آنجا رابرت به واسطه خدماتی که از راه جنگ با ترکان عثمانی به عالم مسیحیت کرده بود، لقب شوالیه کنت پالاتن (Cont of Palatin) را دریافت نمود. رابرت در ۲۸ جمادی الثانی ۱۰۱۸ ق/ ۲۹ سپتامبر ۱۶۰۹ م وارد شهر رم شد و به حضور پاپ پل پنجم رسید و میل وافر پادشاه ایران را به اتحاد پادشاه عیسوی بر ضد سلطان عثمانی بیان نمود. پاپ او را به گرمی پذیرفت و به لقب «کنت قصر مقدس لاترن» مفتخر ساخت (۱۷: ص ۳۵). در این سال طبق مذاکرات پاپ پل پنجم و رابرت شرلی - که در آرشیو واتیکان موجود است - شاه ایران از پاپ خواست که اسقف اعظمی را تعیین و او را به ریاست کلیسای بزرگ ارمنه اوچمیادزین منصوب کند. البته، پاپ هم بی‌میل نبود پیروان کلیساهای ارمنه را به اطاعت کلیسای رم درآورد و آنها را از سلطه دولت‌های مسلمان خلاص نماید (31/pp.147&8). رابرت

سلاطین اروپایی برای مقابله با ترکان عثمانی یادآوری کرده بود که نباید در انجام این کار تأخیر روا داشت و همچنین قول همکاری عملی در این مورد را به شاه داده بود. پاپ نهایت شادمانی و خوشحالی خود را در پیروزی شاه ایران در برابر ترکان عثمانی اعلام کرد (ibid /pp.82-83). وصول این نامه به شاه، رضایت وی را موجب نشد؛ از آن رو که بی‌میلی سلاطین اروپایی اسپانیا، ونیز، فرانسه، توسکانی، مالت و هلند برای فرستادن لشکر به جبهه عثمانی را دریافته بود (ibid /p.84). سفارت آنتوان شرلی بر اثر منازعه و مجادلاتی که بین او و حسینعلی بیگ بیات رخ داد، به جایی نرسید، خصوصاً که تنی چند از همراهان نماینده ایرانی به آیین مسیحیت درآمدند و مشخص گردید که حتی در اروپا نیز سیاست عثمانی ستیزی که با ورود هیأت آنتوان شرلی تشدید شده بود، عرصه را برای تبلیغ مسیحیت خالی نکرده بود. گزارشهای «دون ژوئن» از ماجرای مسیحی شدن او و دو نفر دیگر، اگر چه حکایت از آن دارد که این امر آگاهانه و قلبی بوده است، لکن این تغییر کیش بشدت از سوی پاپ و کشیشان مسیحی در همان زمانی که وسوسه این تغییر در میان ایرانیان به مشامشان خورد، مورد حمایت و تشویق قرار گرفت (۷/ صص ۳۳۱ - ۳۴۲). هنگامی که حسینعلی بیگ بدون حضور آنتوان شرلی عازم اسپانیا شد، کشیشی عالی‌مقام به نام فرانسیسکو گاسک (Francisco Gasc) از جانب پاپ تا اسپانیا وی و همراهانش را راهنمایی و نیازمندیهای آنها را رفع نمود (همان/صص ۵، ۶، ۳۲۴). برحسب گفته اوروج بیگ بیات تغییر حالات روحی وی و دو تن دیگر از همراهانش برای تغییر مذهب از رم آغاز شد و در اسپانیا جامعه عمل به خود پوشید. از این رو، به نظر می‌رسد که همراه کردن این کشیش عالی‌مقام درحکم

همراه با هدایای پاپ از رم به اسپانیا رفت، اما در اسپانیا چندان مورد استقبال قرار نگرفت، به خاطر آنکه وی لباس مسلمانان به تن داشت و مورد سوء ظن نیز قرار گرفت، چرا که او یک مسیحی بود. همچنین در اسپانیا با مخالفت برادرش آنتونی شرلی هم مواجه شد که مأموریت رابرت را خوش نمی‌داشت (۲۸/ص ۲۲۱).

رابرت شرلی در سال ۱۶۱۱م/۱۰۲۰ق علی‌رغم مخالفت دربار اسپانیا به انگلستان رفت. هدف وی عقد قرارداد تجاری برای صدور ابریشم و کالاهای ایرانی به اروپا از طریق تجار انگلیسی و این بار از راه جنوب ایران و دریا بود تا سلطان عثمانی را از دریافت حقوق گمرکی کالاهای ایرانی که از خاک آنها عبور می‌کرد، ناکام بگذارد. این طرح علی‌رغم تلاش‌های رابرت شرلی، از سوی تجار انگلیسی طرد شد.^۱ رابرت شرلی پس از یک سال و نیم اقامت در انگلستان عازم ایران شد و از راه دریایی جنوب آفریقا به هندوستان رسید و از هند در سال ۱۶۱۴م/۱۰۲۳ق به اصفهان آمد. کشیشان مسیحی در ایران و اروپا عملکرد او را نیز همچون برادرش، آنتوان مدتظر داشتند. از آنجا که طی این سالها حضور مبلغان مسیحی در ایران بیشتر شده بود، پاپ نیز نامه‌های متعددی به شاه عباس ارسال کرده بود. کارملیت‌ها اطلاعات خوبی از رابرت داشتند. هم آنها و هم پاپ می‌دانستند که همسر شرلی یک چرکس مسیحی است که با کمک کارملیت‌ها کاتولیک شده بود (p.144/31).

در گزارش دیگر اسناد ایتالیایی کارملیت‌ها، از رابرت شرلی، به مثابه فردی که علاوه بر شخصیت و نجابت در امور مسیحیان بصیرت کاملی دارد، یاد شده که این امر کمک شایانی به انگیزه کارملیت‌ها برای مقابله با ترکان عثمانی می‌کرد (p.154/ ibid). در جای دیگر گفته شده که اگر چه وی انگلیسی است، اما کاتولیکی معتقد به کلیساست (p.144/ ibid). در واقع،

کارملیت‌ها در گام نخست نسبت به صداقت و ارزش مأموریت رابرت شرلی برای جهان مسیحیت شک و تردید داشتند و هنگامی که رابرت شرلی برای مأموریت انتخاب شد، کارملیت‌ها در حضور شاه و وزیرش درخواست پاپ و امپراتوری روم از شاه عباس را یادآوری کردند که خواسته بودند به رابرت شرلی اجازه دهد به ایتالیا و اروپا بازگردد. دلیل این درخواست را خواهش پدر شرلی که پیری فوتوت بوده، ذکر کردند که قصد آن داشته قبل از مرگش رابرت را ملاقات کند. در ابتدا کارملیت‌ها از شاه مصرانه خواستند که به رابرت شرلی اجازه دهد که صرفاً به کشورش باز گردد و نه چیز دیگر. شاه با فراست از خواسته آنها مبنی بر تبدیل رابرت شرلی به یک جهانگرد ساده چشم پوشید و در برابر آنها با ناراحتی و قاطعیت نامه‌ای مبنی بر اعزام شرلی به اروپا آماده و آن را مهر نمود که نشان از شروع سفارت رابرت شرلی بود. این درخواست کارملیت‌ها نشان از آن داشت که آنها گفتگو درباره مأموریت رابرت شرلی را در آغاز برای دور کردن وی از فعالیتهای سیاسی برگزیده‌اند، اما بتدریج که اهداف عثمانی ستیزی رابرت شرلی مشخص شد و همچنین با توجه به توصیه‌های مکرر پاپ، کارملیت‌ها نیز از سفارت رابرت طرفداری کردند (ibid/pp.126-128). از این مرحله به بعد نقش کارملیت‌ها به گونه‌ای دیگر رقم خورد و ابتکار عمل کارملیت‌ها آن بود که آنها از یک سو ضمن اطلاع از موانع موفقیت رابرت شرلی در اروپا، مجدانه این موانع را از چشم شاه ایران دور نگاه داشتند و از سوی دیگر، سعی در تحریک شاه ایران علیه عثمانی داشتند و در عین حال، سفارت رابرت در اروپا را برای ایرانیان یک فرصت طلایی و امید تازه‌ای برای مبارزه با ترکان عثمانی قلمداد می‌کردند. پل سیمون (Paul Simon) از کارملیت‌هایی که برای اهداف سیاسی و دینی به ایران آمده و از جانب شاه عباس مدتی در اروپا به رساندن مکتوبات شاه به پاپ مشغول بودند، طی نامه‌ای به همکاران خود در ایران - که به محض رسیدن به اروپا

ترکها آنقدر توانایی ندارند که در برابر چنین حمله‌ای از دریا مقاومت نمایند. گذشته از پاپ، شاه عباس بر اقدامات شاه اسپانیا که مسیحی متعصبی بود، تأکید داشت. پیشنهاد شاه این بود که از طریق نیروی دریایی، اروپاییان مصر و سوریه را تصرف کنند و از این طرف، شاه ایران با لشکریانش به عثمانی حمله کنند. شاه گفته بود که این تفاهم باید کاملاً مخفیانه و دور از چشم ترکها باشد و از پاپ خواسته بود که نزاع و مجادلات سلاطین مسیحی را رفع و نیروی آنها را علیه دشمن مشترک متحد کند. در مورد اخیر، صحبت شاه عباس لحن گلایه داشت و از برخی سلاطین اروپایی که باب دوستی و مصالحه با ترکان را پیش گرفته‌اند، شکایت کرده بود. این تذکرات شاه قرار بود که به شاه فرانسه و فرمانروای ونیز هم رسانده شود. شاه ضرورت آگاهی از روند اجرای نقشه جنگ علیه ترکان عثمانی را برای دو طرف لازم شمرد و این کار را از طریق سفرای دائمی و اقامت آنها در دربار رم و ایران و هماهنگی لازم در اروپا بین پاپ و سلاطین اروپا امکان پذیر دانسته بود، تا از این طریق همواره موضوع عثمانی مد نظر طرفین باشد (ibid/ pp.147,148). البته، شاه عباس همواره مقام معنوی پاپ و سیطره او بر جهان مسیحیت و از جمله سلاطین اروپا را به دیده اغراق می‌نگریست؛ به گونه‌ای که تصور می‌کرد همه سلاطین اروپایی حرف پاپ را تمام و کمال می‌پذیرند و لذا از پاپ خواسته بود تا نسبت به متقاعد کردن سلاطین مسیحی مبنی بر ضرورت اتحاد و یگانگی در اروپا برای اهداف ذکر شده اقدام نماید. بالاخره آنکه شاه از پاپ و سلاطین مسیحی خواسته بود تا رابرت شرلی را در صورت امکان زودتر به ایران بفرستند و ضمناً معذور بودن آنتونی شرلی را نیز پذیرفته بود (ibid/p.149).

آن را فرستاده بود - در خصوص مأموریت رابرت شرلی در انگلستان اظهار ناامیدی کرده، معتقد بود که بعید به نظر می‌رسد وی مورد توجه قرار گیرد، چرا که برادرش توسط شاه انگلیس زندانی شده است و به همکاریش اعلام می‌کند، به زودی زمانی که به ایتالیا رسیدم، اخبار بیشتری از شرلی‌ها برای شما می‌فرستم (ibid/p.144).

این گزارشها ضمن نشان دادن حساسیت مأموریت شرلی برای کشیشان و پاپ مشخص می‌کند که مأموریت رابرت برای فعال کردن جبهه غرب علیه عثمانیها از همان ایام حداقل برای پاپ و کشیشان ناامید کننده بوده است. در عوض، پل سیمون در نامه‌ای جداگانه به شاه عباس با تأکید بر اظهارات پاپ - که صحت و صداقت این نامه توسط پدران کارملی و آگوستینی در حضور شاه عباس به اثبات رسید- توصیه کرده بود که باید موقعیت به دست آمده از حضور رابرت شرلی در اروپا و ایجاد دوستی و اتحاد با سلاطین مسیحی و اقدام علیه سلطان ترک را مغتنم شمارد (ibid). چنانکه تجارب آتی نشان داد، سیاست عثمانی ستیزی مقوله‌ای بود که بیشتر به سود اروپاییان رقم خورد تا ایران. به هر ترتیب، رابرت شرلی به همراه هدایایی که برای پاپ در نظر گرفته شده بود، در ۲۹ سپتامبر سال ۱۶۰۹م/ ۲۸ جمادی الثانی ۱۰۱۸ق به رم آمد و با پاپ دیدار کرد. پاپ در نامه‌ای که به شاه عباس نوشت، ضمن اشاره به رسیدن رابرت شرلی به رم، یادآوری نموده بود که خروج علی قلی بیگ، سفیر ایران مصادف با آمدن شرلی بوده است.^{۱۱}

طبق اسناد کارملیت‌ها که شامل مذاکرات شفاهی موجود در آرشیو واتیکان و آن چیزی است که رابرت شرلی در گفتگوهای خود با شاه عباس برای پاپ ذکر نموده است، محور اصلی گفتگوهای شاه ایران خطاب به پاپ ضرورت ایجاد اتحادیه‌ای فراگیر از سلاطین مسیحی علیه ترکهای عثمانی، دشمن مشترک بود. شاه مایل بود که این امر بسرعت انجام شود و معتقد بود که

سفارت دوم رابرت شرلی، کشیشان مسیحی اروپایی و پاپ

سفارت نخست رابرت شرلی چندان موفقیتی در بر نداشت و دستاورد عملی مهمی در خصوص اهداف تعریف شده این مأموریت به دست نیامد. با این حال، شاه عباس به محض رسیدن رابرت شرلی، مأموریت دوباره‌ای برای وی در نظر گرفت و این بار وی را از طریق هرمز و سپس با رفتن به گوا (مستعمره پرتغال در هندوستان) و سپس جنوب آفریقا به اسپانیا و اروپا فرستاد (۱۶۱۵ م / ۱۰۲۴ ق). در این مأموریت، شاه یکی از کشیشان کارملی مقیم اصفهان به نام پردمتو دلاکروز (Pere Redemeto de la Cruz) را همراه وی کرد. شاه عباس در نامه خود به پاپ و سلاطین مسیحی صریحاً و با تأکید از پادریان عظام (کارملیت‌ها) یاد کرده بود که در زمره معتمدان وی هستند و از «ردمتو» به عنوان مردی که سنجیده، نیکو اطوار و راست گفتار است، یاد نموده بود. «ردمتو» از جمله کارملیت‌هایی بود که واسطه پرتغالیها، بویژه کاپیتان هرمز و نیز حاکم گوا با سفیر اسپانیا در ایران بود و از این لحاظ مورد اعتماد و احترام پرتغالیها نیز بود (۱۸/ص ۱۵۱۲، 31/pp.219,220). رابرت همچنین مأمور بود که با پرتغالیها در هرمز دیدار کند چرا که شاه عباس پایگاههای آنها را در گمبرون در سال ۱۶۰۳/م ۱۰۱۲ ق تصرف کرده بود. شرلی در این مأموریت بسختی توانست حکمران پرتغالی هرمز را راضی کند که تا نتیجه سفارت و مذاکرات او با شاه اسپانیا معلوم نشده از دشمنی با ایران صرفنظر کند. همچنین سعی نمود که منازعه ایران و اسپانیا بر سر تصرف بحرین را کم‌رنگ کند تا به پیمان اتحاد ایران علیه عثمانیها موفق شود (۲۱/ص ۱۲۷). با این حال، پرتغالیها و برخی از کشیشان آگوستینی شدیداً با مأموریت رابرت شرلی

رابرت شرلی هنگام اقامت در رم در خصوص دشمن مشترک و سابقه تاریخی این دشمنی برای پاپ توضیحاتی داد و اصرار کرد با ایجاد توافق و اتحاد با ایران، می‌توان قدرت عثمانی را در هم شکست. وی در پاسخ به سؤال پاپ که چگونه این اتحاد شکل می‌گیرد، اظهار نمود که با توجه به قدرت معنوی قابل ملاحظه پاپ می‌توان از این طریق وارد جنگ شد و قول شاه عباس را یادآوری کرد که وی حمله از جانب دیار بکر و آناتولی به عثمانی را تضمین می‌کند و تنها منتظر اقدامات جبهه اروپایی است. همین مذاکرات سبب شد که پاپ پیل پنجم در راستای سفارت شرلی و کشیشان مسیحی در نامه‌های خود به شاه عباس مجدداً موضوع دشمن مشترک را یادآوری کند (ibid/pp.150-154).

رابرت شرلی پس از آنکه مدتی در اسپانیا برای مذاکرات پیرامون مسائل تجاری و جنگ با ترکان عثمانی به سر برد، مجدداً به رم بازگشت و با پاپ پیل پنجم دیدار داشت. ظاهراً شخص پاپ بر این دیدار مُصر بود و سعی نمود که شرلی را از رفتن به انگلستان باز دارد. پاپ خطرات جانی و امنیتی را بهانه کرد، اما حقیقت آن بود که چون شاه انگلستان از کلیسای کاتولیک پیروی نمی‌کرد، پاپ نمی‌خواست شرلی به انگلستان برود (ibid/p.154)؛ هر چند که در این سفارت منافع ایران لحاظ شده بود. علی‌رغم این توصیه، رابرت در اکتبر ۱۶۱۱ م / ۱۰۲۰ ق به انگلستان رفت. شاه عباس در مکتوب خود خطاب به شاه انگلستان اشاره کرده بود که برخی فرمانروایان بزرگ انگلستان چند تن کشیش را برای عقد معاهدات و ایجاد روابط دوستانه نزد ما فرستاده‌اند و در عوض، چنین مقتضی شد که به جای یکی از رعایای خود، رابرت شرلی را به سفارت نزد سلاطین عیسوی بفرستیم (۲۷/صص ۲۲۱ و ۲۲۲).

دشمن انگلیس بود دانسته، این مطلب را به دولت انگلیس گزارش دادند. از این رو، رابرت شرلی بزودی خود را در محاصره کشتی‌های انگلیسی دید و به زحمت توانست فرار کند و نهایتاً در سال ۱۶۱۷ م/۱۰۲۶ ق به لیسبون پایتخت پرتغال برسد. شرلی تا اواخر ۱۶۲۲ م/۱۰۳۱ ق در اسپانیا بود و در این مدت کوشید تا شاه اسپانیا را به جنگ با عثمانی وادار کند؛ حتی به فیلیپ وعده داد که اگر کشتی‌های جنگی اسپانیا مدخل دریای احمر را بگیرند و راه تجارت عثمانی با هندوستان، حجاز و مصر را ببندند، وی شاه عباس را به بازگرداندن گمبرون (بندرعباس) راضی خواهد کرد، اما شاه اسپانیا بحرین را هم می‌خواست و لذا چون شرلی در این خصوص تعهدی از جانب شاه ایران نداشت و از سوی دیگر، شاه اسپانیا هم به وعده‌های شرلی اطمینان نداشت، لذا نامه‌ای به "دن گارسیا دیسیلوافیگوئروا" که آن زمان در اسپانیا بود نوشت و دستور داد که درباره اظهارات شرلی با شاه عباس گفتگو کند (۱۸/صص ۱۵۱۲ - ۱۵۱۴).

طی مدتی که شرلی در اسپانیا بود، نامه‌های متعددی درباره مذاکرات خود با شاه اسپانیا برای شاه عباس فرستاد. از جمله یکی از نامه‌ها را توسط «پردمتو دولاکروز» فرستاد؛ همان کشیشی که با رابرت به اروپا آمده بود. «ردمتو» در ایام حضورش در اروپا از اسپانیا به لیسبون و مادرید رفته و نامه‌ای از شاه عباس به پاپ پل پنجم رسانده بود (۱۶۱۹ م/ ۱۰۲۸ ق). محتوای نامه شامل احترام شاه به کارملیت‌ها و سایر روحانیونی که به ایران می‌آمدند، توجه شاه به عملی کردن خواسته قلبی پاپ مبنی بر احداث کلیسای مناسب در ایران، تبریک شاه از جهت برخی پیروزی‌هایی که اروپاییان در جبهه غرب علیه ترکان به دست آورده‌اند و بالاخره تأکید شاه بر اینکه ردمتو و

مخالفت کردند. حتی رابرت و همسرش را مرتد و جاسوسانی عنوان کردند که قصد توطئه و دسیسه چینی علیه پادشاه اسپانیا را دارند و با شاه ایران در این امر همراه و شریک هستند. به همین دلیل رابرت و همراهانش با تأخیر به بندر گوا رسیدند (۱۶۱۶ م/ ۱۰۲۵) (31/ pp.220-221).

چنانکه اشاره گردید، مخالفت آگوستین‌های پرتغالی با برادران شرلی، بخصوص رابرت شرلی بی مورد نبود و این امر بیشتر به ملیت شرلی‌ها بازمی‌گشت. هنگامی که در سال ۱۶۱۹ م/ ۱۰۲۸ ق شاه عباس اول معاهده‌ای با اسپانیایی‌ها منعقد کرد، شاه اسپانیا اصرار داشت که شاه عباس باید جماعت انگلیس را از خود دور کند، چرا که شاه اسپانیا هر سال به جنگ روم می‌رود که این محاربه به سود ایران است، در حالی که بین انگلیسیها و عثمانیها دوستی برقرار است، اما شاه عباس با این استدلال که اگرچه آنها از نظر مسیحیان کاتولیک مرتدند، مهمان ایران هستند و نمی‌توان آنها را از ایران اخراج نمود، از پذیرش خواسته اسپانیایی‌ها و کشیشان آگوستینی سر باز زد (۳/صص ۱۵۵ و ۱۸۷). نکته دیگر در مخالفت کشیشان آگوستینی با مأموریت رابرت شرلی آن بود که رقابت سختی میان انگلیسیها و پرتغالیها در خلیج فارس به وجود آمده بود و از آنجا که کشیشان آگوستینی پرتغالی با دستگاه سیاسی و نظامی پرتغالیها در هرمز و خلیج فارس ارتباط تنگاتنگی داشتند، لذا میانه آنها نیز با انگلیسیها خوب نبود؛ به گونه‌ای که بعداً به اثبات رسید، شاه عباس با کمک انگلیسیها، پرتغالیها و کشیشان آگوستینی را از هرمز اخراج کرد (۱۶۲۲ م/ ۱۰۳۱ ق).

شرلی در مأموریت دوم خود با دشمنی هموطنانش نیز مواجه گردید، چرا که جاسوسان کمپانی هند شرقی مأموریت وی را جلب دوستی و اعتماد اسپانیا که

سایر کارملیت‌ها بسیار مورد توجه شاه، بویژه از جهت اعزام آنها به عنوان سفیر به اروپا بود (31/P.223). نامه‌ای از سال ۱۶۲۲م / ۱۰۳۲ق در آرشیو واتیکان موجود است و نشان می‌دهد که رابرت شرلی در این زمان هنوز در مادرید بوده و از همین جا نامه‌ای به پاپ نگاشته و به رفتار مناسب شاه با مسیحیان اشاره نموده است. ظاهراً این مکتوب در راستای یادآوری به پاپ در جهت تلاش برای فعال کردن جنگ علیه عثمانیها بود (ibid/p.217). در آرشیو کارملیت‌ها در واتیکان، نامه‌ای از شاه اسپانیا به "ردمتو" به هنگام عزیمت وی به ایران موجود است که ترجمه‌ای از نسخه اسپانیایی نامه است که شامل برخی دستورات وی است. در این نامه اشاراتی به مأموریت رابرت شرلی وجود دارد؛ از جمله به "ردمتو" توصیه شده است که چنانچه سفیر اسپانیا بمیرد، یا به هر علت دیگر ایران را ترک نماید، شما باید مطابق خواسته کاپیتان هرمز عمل کنید که این به نفع شماست. شاه اسپانیا همچنین نامه‌ای را هم برای «دون گارسیا» آماده کرده بود که ردمتو آن را به ایران برد، اما این نامه‌ها نظر شاه عباس را جلب نکرد و چنانکه شاه به «ردمتو» گفت (و او نیز مضمون را به سمع دیگران رساند). چیزی جز مثنی دروغ از جانب شاه اسپانیا نبود (ibid/pp.224-227).

سفارت دوم رابرت شرلی همچون مأموریت نخست وی با شکست مواجه شد؛ با این تفاوت که در بازگشت به ایران با بی‌اعتنایی مفرط شاه عباس مواجه شد و اندکی بعد درگذشت. همسر رابرت همچون یک مسیحی وفادار جنازه شوهرش را با زحمت بسیار به رم برد و آنجا با احترام پاپ مواجه شد.^{۱۲}

نتیجه

حضور برادران شرلی در ایران، در راستای مبارزه با

عثمانی، دشمن مشترک ایران و اروپا و نجات جهان مسیحیت از تهدید ترکان عثمانی بود. از سوی دیگر، فعالیت‌های چند ساله این دو برادر زمینه‌های مناسبی برای گسترش و پیشرفت روابط ایران و اروپا و همچنین حضور فعال مبلغان مسیحی اروپایی در ایران شد. هر چند که سفارتهای سیاسی - تجاری برادران شرلی نهایتاً با شکست مواجه گردید، اما نقش مؤثر پاپ و کشیشان مسیحی در ماجراهای پرفراز و نشیب مأموریت‌های آنها قابل اعتناست. بیش از همه، پاپ که خود را پدر خوانده مسیحیان و کشیشان مسیحی می‌دانست، از حضور برادران شرلی در ایران بسیار خشنود و راضی بود؛ خصوصاً که آنها برای ایجاد اتحادیه‌ای علیه ترکان عثمانی در ایران و اروپا از هیچ کوششی دریغ نکردند. علی‌رغم موانع و مشکلات موجود بر سر راه برادران شرلی، از جمله سستی سلاطین اروپایی در جنگ با عثمانی، نگه داشتن ایران در جبهه جنگ علیه عثمانیها (حتی در صورت مصالحه برخی از سلاطین اروپایی با عثمانی) برای عالم مسیحیت پیروزی بزرگی به حساب می‌آمد. در این راستا، کشیشان و مبلغان مسیحی در ایران و اروپا مأموریت این دو برادر را زیر نظر گرفتند و تا آنجا که امکان داشت، در خصوص هر دو برادر مکتوبات و گزارش‌هایی به پاپ ارسال کردند. عمده تفاوت در نگرش کشیشان کارملیت با آگوستین در امر سفارتهای سیاسی آنتوان و رابرت شرلی، آن بود که کشیشان کارملیت از آنجا که فارغتر از مسأله ملیت بودند و ارتباط آنها با پاپ قویتر بود، لذا نظرات پاپ در خصوص حمایت از برادران شرلی را پس از اندکی تردید و مخالفت عملی کردند و حال آن که کشیشان آگوستینی که اغلب پرتغالی یا اسپانیایی بودند، ملیت انگلیسی شرلی‌ها را زمینه‌ای برای مخالفت خود با آنها

پی‌نوشت‌ها

۱- واژه *Missionary* و *Mission* از فعل لاتین *Mittere* به معنای فرستادن و مأموریت مشتق شده و اشاره به فرستادن فردی برای ابلاغ و رساندن پیام دارد. در کتب مذهبی مسیحی از *Mission* به عنوان کسی که از طرف خداوند برای ابلاغ دستورات پروردگار به دیگران فرستاده می‌شود، یاد شده است. در مفهومی محدودتر، میسیون غالباً متوجه فعالیت‌های تبلیغی در نواحی غیرمسیحی است. در مکانهایی که هنوز سلسله مراتب روحانی کلیسا برقرار نشده و یا اگر برقرار شده، کلیسا هنوز در مراحل اولیه گسترش و رشد خود است، مبلغان را با نام میسیونر می‌شناسند. دایرةالمعارف امریکانا، کوشش‌های میسیونری را به عنوان کوشش‌های سازمان یافته به وسیله گروه‌های مذهبی برای ارسال مردان و زنان در رابطه با امر تبلیغ عقیده و ایمان خود توصیف کرده است (آنچه در تاریخ فعالیت مبلغان مسیحی به چشم می‌آید، این مطلب است که اگر چه به گونه‌ای متعارف میسیونرها را شامل راهبان و کشیشان می‌دانند، اما این گروه همچنین شامل معلمان، پزشکان، پرستاران و بسیاری افراد دیگر نیز می‌شود) (34/p.227).

۲- فرقه‌های فرانسیسکن و دومینیکن از عصر مغولان در ایران فعالیت می‌کردند و بیشترین حضور این دو فرقه در نواحی همدان، تبریز، مراغه و سلطانیه بود (۳۰). دومینیکن‌ها در این زمان و سپس در عصر صفوی بیشترین فعالیت خود را در میان ارامنه کاتولیک نخجوان ارمنستان انجام می‌دادند (33). فرقه‌های دیگر مسیحی اروپایی عمدتاً در اواخر عصر شاه عباس اول و دوره‌های پس از آن به ایران آمدند. حضور کاپوسن‌ها در واپسین سال‌های عصر شاه عباس اول بود (۱۶۲۸م/۱۰۳۸ق). آنها از سوی دولت فرانسه و با

قرار دادند؛ خصوصاً که انگلیسیها در پهنه دریا، هم در اروپا و هم در خلیج فارس بزرگترین دشمنان آنها بودند. نظرات سیاسی آگوستینی‌ها چندان هم بیراهه نبود، چرا که شاه عباس با کمک همین انگلیسی‌ها به سیطره لجوجانۀ پرتغالیها در بحرین، هرمز و خلیج فارس خاتمه داد. لذا کشیشان آگوستینی - چه در اروپا و چه در ایران - از طریق مناطق مستعمراتی خود، نظیر گوا یا هرمز بشدت در کار شرلی‌ها مداخله و کارشکنی کردند. گذشته از تحریک شاه ایران به جنگ علیه عثمانیها، کشیشان کاتولیکی که از همراهان آنتوان شرلی به اروپا بودند، به یک موفقیت دینی دست یافتند که همانا مسیحی کردن عده‌ای از همراهان سفیر ایران در رم و اسپانیا بود. اگرچه نفس حضور این دو برادر در سطوح عالی سیاسی ایران زمینه‌ساز فعالیت‌های مجدانه کشیشان کارملی و تحرک بیشتر کشیشان آگوستینی در ایران شد، اما آنچه مشخص بود، پرده‌پوشی پاپ و کشیشان مسیحی در آشکارنمودن واقعیات موجود در اروپا بر سر راه اتحاد سلاطین عیسوی علیه عثمانی طی سفارتهای این دو برادرانگلیسی بود. دیدارهای متناوب پاپ با برادران شرلی - که هر دو رسماً سفرای ایران بودند - بیشتر به سود جهان مسیحیت خاتمه یافت تا ایرانیان؛ بنابراین، باید گفت که سهم کشیشان مسیحی و پاپ در راستای تأثیرگذاری و جهت‌دهی به سفارتهای برادران شرلی بی‌بدیل بود. چنین به نظر می‌رسد که با آنکه برادران شرلی مسیحیان کاتولیک معتقدی بودند، اما شدیداً زیر چتر اطلاعاتی پاپ و کشیشان اروپایی کارملیت و آگوستین قرار داشتند و از این لحاظ مأموریت‌های آنها می‌توانست تحت تأثیر خواسته‌های پاپ و کشیشان مسیحی قرار گیرد که میزان موفقیت و شکست آنها را تعریف می‌کرد.

آنکه تعالیم زهد و عزلت را رعایت می‌کردند اما تبلیغ در تمام خلایق را وظیفه اصلی خود می‌دانستند. از آنجا که آنها به جای کفش، نوعی پاپوش ساده و بدون رو اختیار کرده بودند، به نام پابره‌نه شناخته شدند. کارملیت‌ها بیش از کشیشان آگوستینی کسب دانش‌های مختلف را جدی می‌گرفتند. اسناد فعالیت‌های این گروه در ایران بیش از سایر فرقه‌های مسیحی است (برای آگاهی از عقاید و تاریخچه کارملیت‌ها به منابع زیر رجوع شود: 35/p. 876 و ۶/صص ۲۲۷ - ۲۳۹).

۵- ژان تادئوس (Jahn Tadeues) یکی از کشیشان کارملی و بسیار مورد اعتماد شاه عباس اول بود. وی سهم بسزایی در پیشرفت و رونق فعالیت فرقه کارملی در ایران داشت. از آنجا که وی مترجم شاه در دیدارهای رسمی با سفرای اروپایی بود، گزارش‌های وی به پاپ و کلیسای رم ارزش فراوانی داشت. وی از کمک به اروپاییان در امور سیاسی و اقتصادی آنها در ایران کوتاهی نمی‌کرد (ر. ک: 31 / pp. 131-133 و ۸/ صص ۱۰۵۸؛ ۳/ صص ۱۱۷، ۵۶؛ ۵/ صص ۴۰ و ۴۱).

۶- راجر سیوری، صفویه پژوه معاصر در مقاله‌ای اظهار می‌دارد که آشنایی ایرانیان با سلاح‌های آتشین به گونه‌ای که در تاریخ نگاری سنتی اصرار بر آن است، موضوعیت ندارد. در نگاه مورخان سنتی شری‌ها مبدع این سلاح‌ها معرفی شده‌اند، حال آن که ایرانیان از مدتها قبل با این سلاح‌ها آشنایی داشته‌اند، اما باید گفت حضور تقریباً دیرپای شری‌ها در ایران بیشتر ناشی از نیاز ایران به رجال دیپلماتیک در عرصه برقراری ارتباط با دول اروپایی ضد عثمانیها در آن روزگار بوده است (ر. ک: ۱۳/ صص ۲۹۵ - ۳۱۷).

۷- در خصوص ملیت انگلیسی برادران شری و حساسیت کشیشان کارملیت و آگوستین نسبت به این امر در سطور بعدی توضیح داده شده است

حمایت ریشیلو، صدر اعظم لویی سیزدهم به ایران آمدند (32/pp.69-70). معروفترین کشیش کاپوسن که گزارش‌های مهمی از اوضاع ایران نگاشت، رافائل دومانس فرانسوی بود (۱۰). فرقه یسوعیان یا ژزویت‌ها نیز از عصر شاه عباس دوم در ایران فعالیت نمودند (ر. ک: 62/P. ibid و ۵۰/۱۵ - ۸۹ - ۹۰).

۳- سنت آگوستین از روحانیون صاحب نظر کلیسا و مسیحیت در قرن چهارم میلادی است. وی سهم بسزایی در نهادینه کردن کلیسا و تفسیر برخی مفاهیم عرفانی مسیحیت، از جمله مفهوم «فیض الهی» و «ایمان منجر به رستگاری» داشت. قبل از آنکه مسیحی تمام عیاری شود، یک چندی در آیین مانویت به سر می‌برد، اما تکاپوی درونی او و میل به درک جوهره دین وی را به سوی مسیحیت کشاند. فرقه آگوستینی از سوی پاپ و کلیسای رم مورد قبول و حمایت قرار گرفت و برخی از دول اروپایی، از جمله پرتغال و اسپانیا طی دوره مورد بحث این مقاله، حمایت قاطعی از این فرقه مسیحی نمودند (برای اطلاعات بیشتر راجع به سنت آگوستین و عقایدش ر. ک: ۱/ صص ۱۸-۴۳ و ۲۲/ص ۹۷).

۴- فرقه کارملیت، منسوب به کوه کرمل در فلسطین است. این فرقه در سال ۱۱۵۶م/۵۵۱ق تأسیس شد. سعی کارملیت‌ها بر این بود که با نزدیکی و درک حضور معنوی و فیزیکی در منطقه اورشلیم و در جوار مزار پیامبران عهد عتیق به درک معنوی و متعالی از مسیحیت دست یابند. در سال ۱۲۰۹م/۶۰۲ق «سنت آلبرت» (St. Alber) یکی از روحانیون کارملی همه راهبان را در منطقه فلسطین جمع آوری و زندگی و جامعه آنها را منظم و قانونمند کرد. در سال ۱۲۲۶م/۶۲۳ق پاپ‌ها نوریوس سوم (Hanorios III) این فرقه را به رسمیت شناخت. کارملیت‌ها ضمن

بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، تهران: میراث مکتوب.

۴- آقا محمد زنجانی، مهدی (ترجمه و تنظیم). (۱۳۸۲).

اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال (سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۸)، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.

۵- کاووسی عراقی، محمد حسن. (۱۳۷۹). اسناد روابط دولت صفویه با دول ایتالیا، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

۶- اندرهیل، اولین. (۱۳۸۴). عارفان مسیحی، ترجمه احمد رضا مویدی و حمید محمودیان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.

۷- بیات، اروج بیگ. (۱۳۳۸). دون ژوئن ایرانی با حواشی و یادداشت‌هایی از لسترنج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۸- دلواله، پیتر. (۱۳۸۰). سفرنامه، ج ۲، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: نشر قطره.

۹- دولیه‌دلند، آندره. (بی‌تا). زیبایی‌های ایران، ترجمه دکتر محسن صبا، تهران: انجمن دوستداران کتاب.

۱۰- دو مانس، رافائل. (۱۳۵۳). «وضع ایران در زمان شاه عباس ثانی»، ترجمه عباس آگاهی، بررسی‌های تاریخی، سال ۹، ش ۳، مرداد و شهریور.

۱۱- آوانس (مترجم). (۱۳۵۷). سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، تهران: منوچهری، چاپ دوم.

۱۲- جوزافا باربارو. (۱۳۴۹). سفرنامه ونیزیان در ایران ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

۱۳- سیوری، راجر. (۱۳۸۲). تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.

۱۴- شاردن، ژان. (۱۳۵۰). سفرنامه، ج ۷، ترجمه محمد

۸- البته، شاه عباس در این سفارت و سفارت‌های بعدی موضوع تجارت و علی‌الخصوص تجارت ابریشم را نیز لحاظ کرده بود (۱۸/ص ۱۴۷۲ و ۲۸/ص ۲۱۴).

۹- شاه عباس به پیشنهاد آنتوان شرلی ضمانت آزادی فعالیت مبلغان و کاتولیک‌ها در ایران و اطاعت مسیحیان ایران از کلیسای رم در قبال اقدام نظامی اروپاییان و پاپ علیه ترکان عثمانی را جواب مثبت داده بود، اما دلیل خشم حسینعلی بیگ بیات ظاهراً از پیشرفت امور مسیحیان در صورت اجرای چنین حکمی بوده است و نیز وی در اثر مسیحی شدن برخی از همراهانش به طور قطع در این مورد خاص تحت فشار بوده است (31/p. 78 و ۱۸: صص ۱۴۸۱-۱۴۸۵).

۱۰- تجار انگلیسی با این ادله که حجم روابط آنها با عثمانی بیشتر از آن است که صرفه‌طرح دوستی ایران و انگلیس توسط رابرت شرلی را داشته باشد، از پیشنهاد وی صرف‌نظر کردند (۱۸/صص ۱۵۰۳ و ۱۱۷/ص ۲۲۱).

۱۱- گویا این سفیر قبلاً در آستاراخان با داکوستا ملاقات کرده، و به اتفاق هم عازم دربار پاپ شده بودن (ibid/ p. 146).

۱۲- رابرت پس از آنکه در سال ۱۶۲۲م/۱۰۳۲ق از ایتالیا عازم انگلستان شد، مدت سه سال در آنجا به سر برد و نهایتاً در سال ۱۶۲۸م/۱۰۳۷ق به ایران بازگشت (۲۶/ص ۲۳۳).

منابع

۱- آگوستین، سنت. (۱۳۸۱). اعترافات، ترجمه سایه میثمی، ویراسته مصطفی ملکیان، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

۲- استودارت. (۱۳۵۴). سفرنامه، ترجمه احمد توکلی، فرهنگ ایران زمین، ج ۶.

۳- ستوده، منوچهر. (۱۳۸۳). اسناد پادریان کرملی

- عباسی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- _____ (۱۳۵۰). سفرنامه، ج ۸، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۵۴). تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران از دوران مغولان تا پایان عهد قاجار، تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- ۱۷- فلسفی، نصر... (۱۳۱۶). تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران: چاپخانه طهران.
- ۱۸- _____ (۱۳۶۹). زندگانی شاه عباس، ج ۴ و ۵، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۹- فن دریابل، ژرژ تکتاندر. (۱۳۵۱). (ایتر پرسیکوم) گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول، ترجمه محمود تفضلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۰- فوگل، اشپیل. (۱۳۸۰). تمدن مغرب زمین، ج ۱، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: امیرکبیر.
- ۲۱- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۴). اسناد فارسی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس، تهران: طهوری.
- ۲۲- کونگ، هانس. (۱۳۸۴). تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۲۳- گابریل، آلفونس. (۱۳۸۳). مارکوپولو در ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۲۴- لویی بلان، لوئیس. (۱۳۷۵). زندگی شاه عباس، ترجمه ولی ا... شادمان، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۲۵- ماله، آلبر. (۱۳۷۹). تاریخ قرون وسطی، ج ۴، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران: نشر گستر.
- ۲۶- میناسیان، لئون. (۱۳۴۸). «فرامین موجود در موزه جلفا»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، مهرماه.
- ۲۷- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). مجموعه اسناد ومکاتبات تاریخی عصرشاه عباس صفوی، تهران: انتشارات ارغوان، ج ۳.
- ۲۸- _____ (۱۳۶۸). ایران و جهان، تهران: انتشارات ارغوان، ج ۲.
- ۲۹- _____ (۱۳۷۰). اسناد ومکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل صفوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۳۰- ویلتس، دوراکه. (۱۳۵۳). سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات خوارزمی.
- 31-A. Chronicle of the Carmelites in Persia (1939). London. Volome 1.
- 32-Robin water field,(1973). Christians in persia, London.
- 33- Atmanian, Paulin Anni.(1984). The archdiocese of naxjewan in the seventeenth century, Colombia.
- 34-Charls W. Forman, Missionary Mouments, Encyclopedia Americana, (1999). Vol. 19 U. S. A.
- 35-The New Encyclopedia. Britannica, (1990). London.